

ترجمه‌ای غیر رسمی و غیر نهائی از

یادگیری جمعی، اراده جمعی: تقویت بنیان‌های توسعه اجتماعی^۱

نیویورک - ۲۷ ژانویه ۲۰۱۶

اتخاذ دستور کار توسعه پایدار ۲۰۳۰ دورنمای توسعه اجتماعی را متحول کرده است. علیرغم چالش‌ها و خطاها، جامعه بشری امروز به میزانی بی سابقه نسبت به گذشته، به روشنی از دنیایی که آرزوی همگان است سخن می گوید. بدین ترتیب، وظیفه اصلی جامعه بین‌المللی توان‌مندسازی تعداد فزاینده‌ای از افراد، جوامع و موسسات با هدف نهایی ترویج مشارکت همگانی در ساختن چنان دنیایی است. به باور جامعه جهانی بهائی، چنین هدفی در کانون تاکید کنونی کمیسیون بر بازانديشي و تقويت توسعه اجتماعی در دنیای معاصر قرار دارد.

بسیاری به این نکته اشاره کرده‌اند که آزمون حقیقی دستور کار جدید توسعه جهانی، پیاده‌سازی عملی جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و محیط‌زیستی آن خواهد بود. در این رابطه «کمیسیون توسعه اجتماعی» مناسب‌ترین مکان در نظام سازمان ملل متحد برای پرداختن به جنبه اجتماعی توسعه پایدار است. هرچند که بدون شک شیوه‌های مورد نیاز کار در طول زمان اصلاح می‌شوند، این فضا امکان بالقوه این را دارد که به عنوان جایگاهی مهم برای به اشتراک گذاری یادگیری‌ها و تجربه‌های طیف گسترده‌ای از فعالین توسعه به کار گرفته شود.

جامعه جهانی بهائی به منظور تسهیل گام‌هایی در این جهت، مایل است دو حیطه را که بالاخص در تقویت توانایی افراد برای مشارکت در اقدامات توسعه جهانی مهم می‌شمارد به شکل مختصری بررسی کند:

^۱ ترجمه نسخه ۱.۲.۲

یادگیری و توان‌مندسازی - تولید، بکارگیری و انتشار دانش در تمام سطوح برای شکوفا ساختن توان‌مندی انسانی نقش اساسی خواهد داشت، توان‌مندی‌ای که برای پیشبرد توسعه اجتماعی در سطح توده مردم و همچنین دستیابی به اهداف بلندپروازنه دستورکار توسعه ۲۰۳۰ ضروری است.

انگیزه و اراده - برای بسیج شمار بالایی جهت اقدام در راستای مصالح عمومی، مساعی توسعه باید به ریشه‌های انگیزش و ایجاد حس اراده فردی و جمعی برای بهبود جوامع، ملل و جهان پردازند.

توسعه به مثابه یادگیری

یادگیری که در کل به عنوان یکی از چندین مولفه اقدام موثر شناخته می‌شود، در دواير سازمان ملل متحد جایگاه مهمی دارد. ولی درك توسعه به مثابه یادگیری - یعنی در نظر گرفتن آن به عنوان يك فرآیند تولید و بکارگیری دانش درباره چگونگی تغییر اجتماعی در زمینه‌هایی مشخص - بسیاری از جنبه‌های آشنای اقدامات سنتی توسعه را قاعده‌ای نو می‌بخشد. در متن چنین پارادایمی، شرکت در اقدامات توسعه نه تنها مکانیسمی برای دستیابی به نتایج مشخص است بلکه وسیله‌ای نیز فراهم می‌آورد که از طریق آن جامعه چگونگی سنجش نیازهای خود و بسیج منابعش را می‌آموزد. از آنجا که کسب مداوم دانش هرگز نمی‌تواند «کامل» قلمداد شود، عناصر فرآیند نیز اهمیتی اساسی می‌یابند. در حالت یادگیری، نقشه‌ها به شکلی ارگانیک در طی زمان رشد می‌کنند و در پرتو هدف نهایی توسعه پایدار جامعه، قابل تعدیل هستند. بینش‌ها و راه‌کارها چندین و چند بار بررسی می‌شوند و در همان حین که وظائف به انجام می‌رسند، موانع رفع می‌شوند، منابع ازدیاد می‌یابند و درس‌ها آموخته می‌شوند، اصلاحات نیز صورت می‌گیرند. از تغییر تصادفی اجتناب می‌شود و استمرار اقدام حفظ می‌گردد.

چنین رویکردی مستلزم مشارکت شمار فزاینده‌ای از شرکت‌کنندگان در يك فرآیند یادگیری جمعی پیرامون اصلاح اجتماع به طور عملی است. تلاش‌هایی از این دست بر بکارگیری دانش موجود اتکا دارند، اما همواره تولید دانش جدید را نیز در بر می‌گیرند. بخش زیادی از دانش جدید بصیرت‌هایی است که از طریق تجربه به دست می‌آید و در این مورد سیستماتیک نمودن یادگیری ضروری است. آن‌گاه که فعالین در سطح توده مردم شروع به کسب تجربه می‌کنند، نخستین درس‌ها ممکن است تنها در حد خاطرات یا حکایت‌های شخصی باشند. اما به مرور زمان، الگوهای پدیدار می‌شوند که می‌توانند برای شکل دادن به اقدامات آتی، ثبت، تجزیه و تحلیل و به

کار گرفته شوند. در این فحوا، یادگیری نه تنها به پژوهش‌های آکادمیک و تحصیلات رسمی مربوط می‌شود، بلکه یادگیری تجربی، بصیرت‌های شخصی، و افزایش توان‌مندی برای اقدام موثر را نیز در بر می‌گیرد.

الگوهای یادگیری در سطح محلی، هر قدر هم که ضروری باشند چنانچه به فرآیندهای جهانی مرتبط با رفاه بشریت به عنوان یک کل متصل نگردند، محدود باقی خواهند ماند. بدین ترتیب، هیئت‌های سازمان ملل متحد مانند این کمیسیون می‌توانند خود را در واقع واحدهای یادگیری با هدف سیستماتیک‌سازی تجربه روزافزون جهانی قلمداد کنند، یادگیری‌ای که با مشارکت شمار فزاینده‌ای از همکاران به دست می‌آید. چنین رویکردی در دسته‌بندی‌های «بالا به پایین» یا «پایین به بالا» جا نمی‌گیرد بلکه رویکردی مبتنی بر تقابل و بهم‌وابستگی است.

توجه به این نکته نیز مهم است که شرکت در فرآیندهای سیستماتیک یادگیری، علاوه بر توان‌مندسازی افراد به توان‌مندسازی کل جوامع نیز می‌انجامد. این توان‌مندی جمعی در قالب ایجاد اراده مشترک و هماهنگ‌سازی اقدامات با وجود تفاوت‌های اجتماعی واقعی و گاه چالش‌برانگیز نمود پیدا می‌کند. از جمله وسایل قدرتمندی که پیشرفت را میسر می‌سازند می‌توان به این موارد اشاره کرد: توانایی دستیابی به توافق جمعی پیرامون ارزش‌ها و اولویت‌های مشترک، ساختن بینش مشترکی نسبت به آینده و پیگیری آن از طریق اقدامات مبتنی بر اراده جمعی، ارج نهادن تفاوت عقیده و تکیه کردن بر پیشینه‌های مختلف، پرورش حس مالکیت جمعی نسبت به روش‌ها و مسیر پیشرفت جامعه. پدیدار شدن و قوت یافتن این موارد نشانه‌ای قطعی از توسعه اجتماعی موفق است.

توسعه به مثابه اراده

توسعه فرآیندی است که باید به همگان نفع برساند و از استعداد‌های همگان استفاده کند. جامعیت و روحیه آرمان مشترک که در دست‌کار جدید توسعه جهانی موج می‌زند نشانگر تعهدی روزافزون به این پیش‌فرض است که هر عضو خانواده بشری نه تنها حق بهره‌مندی از یک تمدن جهانی رو به رشد، بلکه توان‌مندی مشارکت در ساختن آن را نیز دارد. توان‌مندی‌هایی از این قبیل تنها بر اساس امکان بالقوه دستیابی به اهداف تعریف نمی‌شوند بلکه عزم و اراده برای اقدام مورد نیاز نیز در آن‌ها نقش دارد. به همین دلیل، بکارگیری موثر توان‌مندی نه تنها به این بستگی دارد که افراد قادر به انجام چه کاری هستند بلکه همچنین به این وابسته است که در عمل تصمیم به انجام چه کاری می‌گیرند.

بدین ترتیب، اراده مسئله‌ای با اهمیت بی‌نظیر است. منابع مالی به مقیاسی تاریخی برای عملی‌سازی طیف گسترده‌ای از اقدامات توسعه‌ی وسیع می‌شوند، اما پیشرفت پایدار جهانی تنها از طریق وسایط مالی قابل حصول نیست. بدین ترتیب، یک مسئله محوری این است که چگونه خصائلی همچون تعهد و فداکاری در تعداد بالایی از افراد ایجاد می‌شوند؟ افراد و جوامع چگونه انگیزه پیدا می‌کنند تا با تلاش‌های خود در مسیر آرمانی فراتر از منافع خود مشارکت داشته باشند؟ چه طور می‌توان تعداد روزافزونی را یاری داد تا گامی ضروری از انفعال به عمل بردارند؟

در این رابطه، مشخص شده است که ایمان نقشی اساسی دارد. ایمان به کارآمدی فرایند توسعه، به توانمندی نوع بشر، به ارزش‌های خانواده، جامعه و یا به هر مجموعه‌ای دیگر از ایده‌آل‌ها که باشد، ترکیب اعتقاد قاطع و اشتیاق نقش محوری در ایجاد انگیزه و اقدام داشته است. در این میان، ایمان دینی نقشی حیاتی و منحصر به فرد در اقدامات توسعه ایفا نموده است. از ابتدای تاریخ ثبت‌شده بشری، دین یکی از ویژگی‌های تمدن بشری بوده است و شمار کثیری را برانگیخته تا به پا خیزند و برای سعادت و بهروزی دیگران تلاش کنند. دین درکی از هستی بشر ارائه می‌کند که نگاه را از راه خاکی بلند کرده به افق دوردست ناظر می‌کند. هنگامی که دین به روحیه حقیقی بنیان‌گذاران معنوی‌اش وفادار مانده است، یکی از قدرتمندترین نیروها برای ایجاد الگوهای جدید و مفید زندگی فردی و جمعی بوده است.

اما ارتباط بین تعهد به هر مجموعه‌ای از اصول متعالی و خدمت به مصالح عموم به هیچ وجه ارتباطی خودکار نیست. برای مثال در رابطه با دین، کاملاً امکان دارد گروهی از مومنان خیرخواه داشته باشیم که اقداماتشان به بهبود اجتماع چندان نفعی نرسانند. واضحاً مسائل زیادی برای یادگیری در مورد این وجود دارد که چگونه آرمان‌های متعالی در قالب اقدام پایدار و متعهدانه نمود پیدا می‌کنند. جوامع دینی را به نوبه خود می‌توان به عنوان جوامعی مشغول به اقدام در نظر گرفت که در آن‌ها تعالیم روحانی به واقعیت اجتماعی تبدیل می‌شوند. اما یک فرآیند توان‌مندسازی که مردمان را از هر پیشینه‌ای قادر بر مشارکت در تحول اجتماع می‌سازد، در انواع مختلف فضاهای اجتماعی مورد نیاز است. اینکه این فرآیند چگونه در زمینه‌ها و محیط‌های بسیار متفاوت تحقق می‌یابد، یک حوزه پر بار کاوش را برای تمام افراد مشغول به فعالیت‌های توسعه اجتماعی نوید می‌دهد.

ما باور داریم که صورت‌بندی اقدام در یک پارادایم یادگیری و اراده وسیله‌ای قدرتمند برای بازاندیشی و تقویت توسعه اجتماعی در دنیای معاصر است. ساختن الگوهای جدید تفکر و رفتار واضحاً وظیفه‌ای بسیار سنگین و

مستلزم یادگیری جدی و شرکت آگاهانه و متعهدانه شمار روزافزونی است. اما جامعه جهانی بهائی نسبت به توانمندی بشریت برای انجام این وظیفه شکی ندارد و مشارکت تمام کسانی را که به کاوش در بنیان‌های توسعه اجتماعی ماندگار علاقمندند پذیرا است.